



The foundations of child education in Saadi's discourse and the theoretical foundations of the document on the fundamental transformation of education

Nasser, Kamalpourkhoob^{*,1}, Hedayatallah Taghizadeh.PH.D²

1.Educational Officer, Farhangian University, Makkah Martyrs Campus, Tehran, Iran. kamalpourn76@gmail.com

2.Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Objectives: This research was conducted with the aim recognizing the foundations of environmentalism and essentialism in child education in Saadi's thought and comparing with the position of these foundations in the theoretical foundations of the fundamental transformation education. **Methods:** The method of conducting the study was a library research which was done by referring to sources and documents related to the subject. The documents in question were theoretically and purposefully selected from Saadi's two works called Bostan and Golestan and the theoretical foundations of the Fundamental Transformation of Education document. The sample units selected according to the library studies by referring to the selected documents, the chapters related to education in Golestan and Bostan, and the text of the theoretical foundations of the Transformation Document. The data were collected with the help of taking notes and taking notes and were analyzed using the text review and analysis method. **Findings:** In the process collecting, analyzing and comparing the data extracted from the texts, three approaches were finally separated, which examined the category of education from different angles: the essentialism perspective, the environmental perspective. Integralism and perspective (essentialism /environmentalism). **Conclusion:** As a result of the analysis, it was found that Saadi considered the category of education from the angle of both approaches and considered both factors (heredity and environment) to be effective in the way of education. The general approach of the theoretical foundations of the transformation document also had a unified approach to the category of education, in line with Saadi's attitude, although in the end it introduced the will of the individual as the determining factor.

Keywords:

Education
Environmentalism
Saadi Essentialism
Transformation
Document

1 .Corresponding author
kamalpourn76@gmail.com


ISSN (Online):

DOI: 10.48310/rpllp.2024.15216.1127

Received: 1402/08/19 .Reviewed: 1402/10/12

Accepted: 1402/10/21 PP:16

Citation (APA): Nasser, K, Hedayatallah, T. (2023). The foundations of child education in Saadi's discourse and the theoretical foundations of the document on the fundamental transformation of education *The Journal of Research in teaching Persian language and literature*, 4 (2), 59-74

 <https://doi.10.48310/rpllp.2024.15216.1127>



بنیان‌های تربیتی کودک در گفتمان سعدی و مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مقاله پژوهشی / مروری

ناصر کمال پور خوب*؛ هدایت‌الله تقی‌زاده^۲

۱. مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی شهدای مکه، تهران ایران.
۲. دانشیار گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: این جستار با هدف بازشناسی مبناهای محیط‌گرایی و ذات‌گرایی در تربیت کودک در اندیشه سعدی و مقایسه با جایگاه همین مبناها در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام گرفت. **روش‌ها:** روش انجام مطالعه، کتابخانه‌ای بود که با مراجعه به منابع و اسناد مرتبط با موضوع انجام شد. اسناد موردنظر به‌صورت نظری و هدفمند از دو اثر سعدی به نام بوستان و گلستان و مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انتخاب گردید. واحد نمونه متناسب با مطالعات کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد انتخاب شده، باب‌های مربوط به تربیت در دو اثر گلستان و بوستان و متن مبانی نظری سند تحول انتخاب شد. داده‌ها با کمک فیش‌برداری و یادداشت‌برداری گردآوری و با استفاده از روش مرور و تحلیل متن، مورد واکاوی قرار گرفتند. **یافته‌ها:** در فرایند گردآوری، تحلیل و مقایسه داده‌های استخراجی از متون در نهایت، سه رویکرد از هم تفکیک شد که مقوله تربیت را از زاویه متفاوتی بررسی کردند: دیدگاه ذات‌گرایی، دیدگاه محیط‌گرایی و دیدگاه تلفیقی (ذات‌گرایی / محیط‌گرایی). **نتیجه‌گیری:** در نتیجه تحلیل‌ها مشخص شد که سعدی مقوله تربیت را از زاویه هر دو رویکرد مدنظر داشت و هر دو عامل (وراثت و محیط) را در چگونگی تربیت مؤثر می‌دانست. رویکرد کلی مبانی نظری سند تحول نیز همسو با نگرش سعدی یک رویکرد تلفیقی به مقوله تربیت داشت، هرچند در نهایت اراده فرد را تعیین‌کننده معرفی کرده است.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به‌صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:

10.48310/rpllp.2024.15216.1127

واژه‌های کلیدی:

تربیت

ذات‌گرایی

سعدی

سند تحول بنیادین

محیط‌گرایی

۱. نویسنده مسئول

kamalpour76@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

شماره صفحات: ۱۶

مقدمه

پرورش‌دادن انسان‌ها برای کسب مهارت‌های لازم جهت تامین نیازها و بقای خود جامعه و اندیشه‌ها از ضروری‌ترین نیازهای بشری است. بشر به لطف بر خورداری از قوه عقل و خرد، از توانایی پذیرش تربیت و کمال متفاوتی با سایر موجودات بهره می‌برد. تربیت و اهمیت آن در شکل‌دهی هویت اجتماعی انسان، مورد توجه دانش‌ها، علوم مختلف و اندیشمندان از نحله‌های گوناگون قرار گرفته است. همچنین نظام‌های رسمی و حاکمیت‌ها برای تداوم و بقای خود، مبانی اندیشه‌ای و راهبردهای مختلفی برای تربیت کودکان جامعه خود، طراحی و پیاده‌سازی می‌کنند. در قلمرو اندیشه، بخشی بر فطری و ذاتی بودن تربیت‌پذیری یا تربیت‌ناپذیری کودک تأکید می‌کنند؛ برخی تربیت و یادگیری کودک را یکسره مربوط به محیط و زیست‌بوم اجتماعی او نسبت داده‌اند (Seif, 2016:181). در همین راستا و با محوریت شکل‌های مختلف دوگانه اثرگذار بر تربیت، یعنی محیط و ذات (فطرت، وراثت)، نخست به بررسی و بازشناسی بنیان‌های تربیتی کودک در کلام و اندیشه، یکی از بزرگ‌ترین سخنوران پارسی‌زبان «سعدی شیرازی» که توجه زیادی به مسئله تربیت داشته است، پرداخته می‌شود. سپس بنیان‌های تربیتی کودک در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به‌عنوان سند بالادستی رسمی دستگاه تعلیم و تربیت، و مقایسه با بنیان‌های تربیتی اندیشه سعدی، مورد واکاوی و بازبینی مقایسه‌ای قرار می‌گیرد. تربیت در گفتمان سعدی جایگاه مبنایی، تحول‌ساز و شخصیت‌ساز دارد؛ تا جایی است که می‌توان یک باب از هر دو اثر ماندگار خود (گلستان و بوستان) را به آن اختصاص داد. به‌حق می‌توان سعدی را معلم و آموزگار تربیت نامید. جان کلام سعدی در مورد جایگاه و اهمیت تربیت این است که هویت و ماندگاری انسان را یکسره محصول تربیت می‌داند:

چه خواهی که نامت بماند به‌جای / پسر را خردمندی آموز و رای

به خردی درش زجر و تعلیم کن / به نیک و بدش وعده و بیم کن (saadi, 2006:298)

او تربیت کودک را بزرگ‌ترین سرمایه و گنجینه می‌داند، تا جایی که می‌تواند پسر وزیر را به گدایی تبدیل کند و روستازاده دانشمند را به مقام پادشاهی برساند. او خطاب به کودکان می‌گوید: (اگر پندآموزی و تربیت شوی، هیچ راهزنی آن را همچون سیم و زر به سرقت نخواهد برد): «هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده، اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر (تربیت و پند) در نفس خود دولت است. هر جا که رود قدر بیند و در صدر بنشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی بیند» (Azrimehr, 2007:279). او تربیت در کودکی را همانند سرمایه‌گذاری بزرگی می‌داند که در

بزرگی نتیجه خواهد داد و هر آنچه بکارید، محصول آن را درو خواهید کرد:

هرکه در خردیش ادب نکنند / چوب تر را چنانکه خواهی پیچ

در بزرگی از او فلاح برخاست / نشود خشک جز به آتش راست

(Saadi,1987:894)

در اندیشه سعدی داروی تربیت آگاهی و دانشی که از صاحب آگاهی و بصیرت کسب می‌شود و بی‌دانشی را بدترین بیماری (علت نادانی معرفی می‌کند):

داروی تربیت از پیر طریقت بستان کآدمی را بدتر از علت نادانی نیست (Saadi,1987:894)

باتوجه به جایگاه و اهمیت مقوله تربیت کودک در اندیشه سعدی، هدف اصلی این جستار شناسایی خط فکری اندیشه سعدی در دو ساحت محیط‌گرایی و ذات‌گرایی و نسبت آن با الگوی تربیتی کودکان به صورت رسمی بر مبنای متن مبانی نظری سند تحول به‌عنوان سند بالادستی حوزه تربیت ترسیم شد. به عبارتی کلیت این جستار برای پاسخ به دو پرسش اساسی پیکربندی شد که سعدی در تربیت کودک اولویت را به عوامل محیطی (اکتسابی) می‌داد یا عوامل ارثی ژنتیکی (انتسابی) را تعیین‌کننده در تربیت قلمداد می‌کرد؟ و نگرش او چه نسبتی با جهت‌گیری تربیتی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش داشت؟ از این رو ضمن اشاره به مبانی نظری تربیت با محوریت دیدگاه‌های ذات‌گرایی/ محیط‌گرایی تربیت در میان صاحب‌نظران، خط فکری - گفتمانی سعدی و مبانی نظری سند تحول بنیادین در ارتباط با این حوزه، مشخص و باهم مقایسه گردید.

تربیت به لحاظ نظری، مبناها، مقوله‌ها، محورها و تعاریف مختلفی به خود دیده است. افلاطون^۱ تربیت را حرکت و رسیدن جسم و روح به بالاترین پایه کمال و جمال می‌داند؛ اسپنسر^۲ تربیت را آماده کردن انسان برای تمام ساحت‌های زندگی تعریف می‌کند (QaraiMoghadam,1996:14). دورکیم^۳ جامعه‌شناس، تربیت را انتقال دانش، مهارت و ارزش‌های منتشرشده از نسل‌های بزرگسال به نسل‌های ناپخته و خام جهت انتقال مهارت‌های زندگی می‌داند (به نقل از Kamalpurkhoob, 2019). یونسکو تربیت را ترکیب دانش، مهارت و فهم و ارتباط این ساحت‌ها با هم برای درک فعالیت‌های ارزشمند که در زندگی انجام می‌گیرد (Qaramelki, 2016). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، واژه آموزش و پرورش معادل تربیت و اشاره به فرایندی تعاملی که زمینه‌ساز تکمیل و تعالی پیوسته هویت متربیان به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی مطرح شد (Mabani zazari sanad tahavol bonyadin, 2013:157). در این سند تربیت دارای دو وجه رسمی و عمومی و فردی و اجتماعی می‌باشد که در این جستار فرد را معادل ذات، انتساب، اراده و طبیعت؛ و اجتماع معادل محیط و اکتساب قرار داده شد.

در حوزه تجربی، به صورت مجزا پیرامون سعدی و مقوله تربیت، مطالعات عمیقی صورت گرفت، اما میان اندیشه سعدی و الگوهای امروزی تربیت در ایران پژوهش‌های معدودی وجود دارد. در

1. platon
2. spenser
3. Dourkhim

همین زمینه آزادی (1987) در مقاله خود با عنوان تاثیر تربیت از دیدگاه سعدی، عنوان می‌کند هنگام خواندن آثار سعدی عده‌ای او را چنان ذات‌گرا می‌خوانند که گویی توارث‌گرا است؛ در مقابل عده‌ای دیگر از اندیشه او چنان محیط را تفسیر می‌کنند که گویی او بیرونی‌ها، محیط و اجتماع را معیار همه چیز می‌داند (UNESCO National Congress, 1987: 41). دبیرنژاد (1987) در مقاله‌ای با عنوان سعدی، اخلاق، تربیت و مذهب، اشاره می‌کند که سعدی معتقد است؛ باید تربیت طفل همزمان با رشد او نیز مورد توجه قرار گیرد. او زندگی طفل را مرهون تربیت او می‌داند و طفل بی‌تربیت را زنده نمی‌انگارد (همان). «... زیرا طفل بیچاره را آواره صحرای جهالت کنند و بدبخت و معذب نمایند». مطابق این شعر سعدی:

هر که در خرد پیش ادب نکنند چوب تر را چنان که خواهی پیچ
در بزرگی از روی فلاح برخاست نشود خشک جز به آتش راست
(saadi, Quoted from, Azrimehr, 2007: 281)

پیشینه پژوهش

شریعتمداری در مقاله‌ای با عنوان تربیت از نظر سعدی این نکته را مطرح می‌کند که سعدی هنگام پرداختن به مقوله تربیت آن را با بحث اخلاقی می‌آمیزد و مسائل تربیتی را تحت تأثیر عواملی چون اختلافات فردی و عوامل ارثی، عوامل محیطی، تشویق‌ها و تنبیه‌ها می‌داند. هرچند او این‌گونه تأثیرات را در صورت قابل بودن ظرف پذیرنده کارگر می‌داند (UNESCO National Congress, 1987: 321). وفایی و همکاران (2015) در مقاله‌ای با موضوع بررسی نظریه‌های تربیتی کودک از دید برتراند راسل و حکایت طایفه دزدان در گلستان سعدی عنوان می‌کنند که راسل^۱ در نظریه‌های تربیتی خود سه نظریه اصلی را مطرح می‌کند که عبارتند از نظریه‌های طبیعت‌گرای گناه‌آلود، نظریه سرشت نیک و نظریه‌ی، نه گناه‌آلود، نه سرشت نیک. بر طبق تحلیل آنها سعدی هنگامی که در مواجهه‌ی تاثیر بنیان‌ها و سرشت سخن می‌گوید به نوعی طرفدار دو نظریه اول است که در یک جا می‌گوید:

هر که بنیادش بد است (ذات نامناسب)

چون بود اصل از گوهری قابل (ذات مناسب)

هنگامی که می‌خواهد به نحوه مواجهه تربیت فرد با محیط و اجتماع پردازد، رگه‌های نظریه سوم (نه ذاتاً گناه‌آلود، نه ذاتاً نیک‌سرشت) را باور می‌کند:

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

از نظر اینان سعدی هم‌تراز با برتراند راسل، تربیت در دو ساحت سلبی و ایجابی معرفی می‌کند؛ شباهت هر دو اندیشمند را در این می‌دانند که ذهن کودک را لوح سفیدی می‌دانند که در

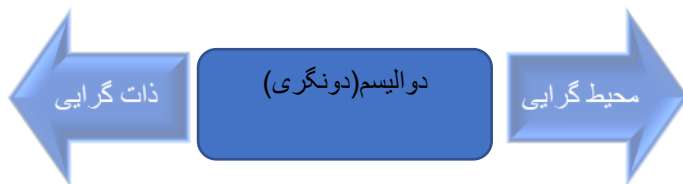
فرایند یاددهی و یادگیری تربیت صحیح یابد؛ اما تمایز هر دو در این است که تأکید سعدی بر فطرت کودک است. گلشنی و همکاران (2008) در مقاله‌ی تاثیر وراثت و محیط بر روان آدمی از دیدگاه سعدی عنوان می‌کنند که سعدی انسان را موجودی که دارای قابلیت‌های فراوانی است و این توانایی‌ها را گاهی اکتسابی و گاهی انتسابی می‌دانست. همان چیزی که امروزه روانشناسان تربیتی از تاثیر همزمان دوگانه وراثت و محیط بر تربیت صحبت می‌کنند. دوگانه‌ای‌هایی که بنظر می‌رسد بنیان‌های تربیتی موضوع مورد مطالعه را نیز دربرگیرد.

روش

این جستار به روش تحلیلی - اسنادی و با مراجعه به متون موردنظر انجام گرفت. بدین صورت که ابتدا متون موردنظر را به‌صورت هدفمند انتخاب و از طریق فیش‌برداری و یادداشت‌برداری داده‌های موردنیاز گردآوری شد. اسناد موردنظر از طریق نمونه‌گیری هدفمند و نظری دو اثر نظم و نثر سعدی، گلستان و بوستان و سند مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انتخاب شد. هرچند برای تکمیل مباحث و مصداق‌سازی‌ها از سایر آثار سعدی نیز به‌عنوان مکمل استفاده شد. پس از انتخاب متون، از طریق تحلیل متن (اعم از نظم و نثر و نظریه) و با فهم تفسیری، گزاره‌های موردنیاز استخراج و متناسب با هدف جستار ذیل دو پارادایم محیط‌گرایی و ذات‌گرایی توصیف و تفسیر شد.

یافته‌ها

با تفهیم مبانی نظری و تجربی مقدمه، می‌توان بردار دوسویه تربیتی با دو پارادایم نظری متعارض و یک پارادایم تلفیقی بر گرفته از هر دو سوی بردار ترسیم کرد که بتوان بر اساس آنها دیدگاه اندیشه‌ای سعدی و مبانی نظری سند تحول بنیادین را طیف‌بندی و با هم مقایسه کرد.



در یک تقسیم‌بندی نسبی می‌توان گفت بیشتر نظریه‌های علمی، طرفدار دیدگاه اکتسابی و اجتماعی بودن تربیت کودک هستند. آن‌گونه که فرد در محیط اجتماعی، خانواده، گروه دوستان، محله و جامعه می‌آموزد، یاد می‌گیرد و پرورش می‌یابد. هرچند مبانی نظری هم هستند که به ذاتی بودن و فطری بودن تربیت می‌پردازند. در میان هر دو طیف، نظریه‌ها و باورهایی هست که به شیوه تربیتی دیگری نیز توجه دارد و رویکرد سومی را شکل می‌دهند که هر دو ساحت ذات و محیط را در تربیت مؤثر می‌دانند. در میان صاحب‌نظرانی که محیط را تعیین‌کننده تربیت می‌دانند

از جان لاک^۱ گرفته که ذهن کودک را لوح سفیدی می‌داند که هر آنچه بر آن نوشته شود از طریق حواس و آموختنی و اکتسابی است (Khandan, 2005)، تا واتسون^۲، روسو^۳، ویتگوفسکی^۴ و برونفن برنر^۵ که ابعاد دیدگاه بوم‌شناختی برنر به دلیل تازگی بودن، ارائه می‌شود؛ همه تربیت را مقوله‌ای محیطی اجتماعی دانسته‌اند: برنر که از طرفداران محیط‌گرایی تربیت هست، پنج نظام محیطی را که از ارتباطات نزدیک‌بین افراد تا اثر فرهنگ که اساسی وسیع دارد را در برمی‌گیرد.

- نظام خرد: محیطی که فرد مدت زیادی را در آن می‌گذراند و شامل خانواده، همسالان، مدرسه و محله‌اند.
- نظام میانی: در ارتباط بین نظام‌های خرد دخالت دارد که در آن دانش‌آموز تجربیات حاصل از تعامل با خانواده، معلم، همسالان و محله به دست می‌آورد.
- نظام کلان: با حیطه گسترده‌تر فرهنگ سروکار دارد. دانش‌آموز در نتیجه آموخته‌های نظام‌های قبل سعی می‌کند برای خود ارزش‌ها، عقاید و فرهنگی را تعریف و نهادینه کند و نسبت خود با نقش‌های کلان اجتماعی چون قومیت، عوامل اجتماعی اقتصادی را تعریف کند.
- نظام خارجی: به‌نوعی تجربیات غیر مستقیمی که دانش‌آموز در آن قرار ندارد؛ اما بر روی آن‌ها اثرگذارند اشاره دارد؛ مانند کتابخانه‌های عمومی، پارک‌ها و مراکز تفریحی.
- نظام تاریخی: به شرایط اجتماعی تاریخی اشاره دارد. مثلاً نخستین نسل ورود به مهدکودک، نخستین نسل محیط الکترونیکی، نخستین نسل فضای مجازی، نسل انقلاب جنسی (سانتراک^۶ به نقل از Kamalpur khoob, 2019: 56-57)

در مقابل، نظریه‌های ذات‌گرایی (فطرت‌گرایی) نیز طرفداران بزرگی دارد. کانت^۷، لایبنیتس^۸، اسپینوزا^۹ و چامسکی^{۱۰} از این گروه‌اند. اسپینوزا در پاسخ به نامه بومیستر می‌نویسد: «من به سؤال تو باز می‌گردم، یعنی اینکه آیا روشی می‌توان یافت که بدون شک و خستگی به شناخت عالی‌ترین چیزها رفت؟... باید ضرورتاً روشی باشد که ادراکات متمایز خود را با آن هدایت کنم... فلسفه جدید را علم‌النفس هدایت می‌کند. «من اندیشنده» شالوده استواری برای علم‌النفس فراهم کرد. هر آنچه در نفس حاضر است از این فکر است (Talebzade, 2011). این در واقع همان ذاتی‌بودن

-
1. John Locke
 2. Watson
 3. Rousseau
 4. Witgowski
 5. Bronfenbrenner
 6. Santrock
 7. Kant
 8. Leibniz
 9. Spinoza
 10. Chomsky

اندیشیدن، تفکر و آموختن گزاره معروف «من می‌اندیشم» کانت می‌باشد (همان). لایب نیتمس همانند افلاطون که می‌گوید همه اندیشه‌ها فطری‌اند، ذهن را به تخته سنگی تشبیه می‌کند که پیشاپیش رگه‌هایی در خود دارد که همان ذات است (Khandan, 2005). فطری بودن اندیشیدن و تفکر را اخیراً چامسکی با طرح نظریه «ضعف محرک‌ها»^۱ در زبان، جان دوباره بخشید که بر مبنای آن ما نیازمند شناخت هستیم، از طرفی مبنای تداعی معانی و شرطی شدن که تجربه گرایان معرفی می‌کنند، برای شناخت کافی نیست. نتیجه این می‌شود که خود انسان نیز باید در امری ذاتی و درونی در شناخت سهیم باشد و این اصیل بودن فطرت و ذات اندیشه‌ها و تفکر است. همین مطلب را مطهری به نوعی دیگر عنوان می‌کند و فطرت را ام‌المسائل معارف می‌داند (Motahari, 1993:63) در قرآن نیز در آیه ۳۰ سوره روم از فطری بودن سخن می‌گوید که همه موجودات و انسان‌ها از آن آفریده شده و هیچ تبدیل و تغییری بر آن نیست، چرا که از نوع ذاتی‌اند و اگر دچار تغییر شود، جوهر زایل می‌گردد: «فَطَرَتِ اللّٰهُ التّٰی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَّا تَبْدِیْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ» (روم/۳۰).

براین اساس می‌توان دیدگاه اندیشه‌ای سعدی و جهت‌گیری غایت‌مندانه‌ی سند تحول را بر مبنای بنیان‌های محیط‌گرا نگری و ذات‌گرا نگری یا هردو مورد تحلیل قرار داد. **ذات‌گرایی تربیتی سعدی (تربیت‌پذیری فطری و انتسابی):** سعدی در عصری که هنوز روانشناسی و ژنتیک نضج نگرفته بود، تشخیص داد که ژنتیک جایگاه مهمی در کم و کیف تربیت کودک دارد و حتی اگر در تغییر آن به جد و جهد هم بکوشی همچو آهن تزیین نشود، همانگونه که خر همچنان خر می‌ماند:

چون بود اصل را گوهری قابل	تربیت در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نگرداند	آهنی را که بد گوهر باشد
سگ به دریای هفتگانه بشوی	که چون تر شد پلیدتر باشد
خر عیسی‌گرش به مکه برند	چون بیاید هنوز خر باشد

(saadi, Quoted from, Azrimehr,2007:281)

همچنین در حکایت ۱۴۵ از باب هفتم به شکل دیگری مسئله ذات را مطرح می‌کند که چگونه فرزند پادشاه در کنار فرزند ادیب، به فراگیری تربیت مشغولند، ادیب چند سالی در تربیت این دو کوشید در پایان فرزند پادشاه به جایی نرسید، اما فرزند ادیب در فضل و بلاغت منتهی شد. پادشاه دانشمند را مؤاخذت کرد که خلاف وعده کردی. گفت بر خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است طبایع مختلف:

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی
در همه سنگ نباشد زر و سیم
بر همه عالم همی تابد سهیل
جایی انبان می‌کند جایی ادیم
(Quoted, 288)

استاد سخن در جای دیگر از نفوذ فطرت و ذات بر تربیت پذیری و تربیت ناپذیری از تشبیهات بسیار هنرمندانه‌ای استفاده می‌کند و می‌گوید حتی اگر محیط هم مناسب باشد، طبیعت و ذات کار خودش را می‌کند؛ او این مسئله را جایی که پادشاه بر گروهی از دزدان بر آمد و همه آنان را بکشت و جز یک کودک که هنوز بالغ نشده بود او را نزد خود برده و او را تعلیم و تربیت کرد و همه آداب خدمت را به او آموخت بعد از گذشت چند سال و در ایام بزرگسالی سرشت او همان دزد و عاصی می‌شود. می‌فرماید:

پرتو نیکان نگیرد هرکه بنیانش بد است تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است
(Quoted, 38)

استاد سخن میان بذر و محصول که مصداق این ضرب‌المثل است که از کوزه همان تراود که در اوست اشاره می‌کند، گرگ فارغ از اینکه کجا زندگی کند در نهایت همان گرگ می‌زاید. عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود (Quoted, 39)

در نهایت سعدی شیرازی سرشت و ذاتی که خداوند برای هر فردی مقدر کرده است را تعیین‌کننده تربیت و کمال معرفی کرد نه معلم و آموزگار. او می‌گوید این سرشت توست که به تو قدرت فهم و رای می‌دهد.

معلم نیاموختت فهم و رای سرشت این صفت در نهادت خدای

(saadi, Quoted from, Ashraghi, 2007: 315)

محیط‌گرایی تربیتی (تربیت‌پذیری اکتسابی): سعدی با تسلط تمام و درک عمیق از اجتماعی بودن انسان بر نقش سرنوشت‌ساز محیط بر تربیت و آینده کودک تأکید می‌کرد. در جایی همانند خلف خود سنایی که با اهمیت قائل شدن برای محیط و تجربه میدانی کودک که پیشنهاد می‌داد، کودک را در یک موقعیت شبیه‌سازی شده به آنچه که باید در بزرگی آماده شود قرار گیرد تا متناسب با جنسیت خود به نوعی تمرین بپردازد و آنگونه که نیاز طبعاً پرورش یابد و عروسک‌بازی برای دختر بچه‌ها در واقع نوعی آموختن چگونگی رفتار زندگی اجتماعی در بزرگسالی می‌داند:

مادران و زنان از آن به مجاز
تاش چون شوی خواستار آید
تا چون بگذاشت لعبت بی جان
کودکان را کنند لعبت باز
آن به کد بانویش کار آید
لعبت زنده پرور پس از آن
(Sanaie, 2008)

اگر اینجا سنایی محیط را آزمایشگاه یادگیری برای آینده معرفی کرد سعدی درباره محیط و تأثیری که بر تربیت کودک می‌گذارد، به زیبایی می‌نویسد که هر که با بدان نشیند نیکی نخواهد دید:

گر نشیند فرشته ای با دیو
وحشت آموزد و خیانت و ریو
از بدان نیکویی نیاموزی
نکنند گـرگ پوسـتین دوزی
(saadi, Quoted from, foroghi, 2020: 217)

در جایی دیگر سعدی شیرین سخن هنگامی که می خواهد فرد را مسئول آموخته‌های خود معرفی کند و به نوعی نسب و وراثت و ذات را مبراکند می گوید روز حساب از اکتسابات تو می پرسند: ... در روز رستاخیز تو را خواهند پرسید: عملت چیست؟ نگویند پدرت کیست! و آشکار می گوید هرکس با بزرگان و ادیبان دمخور شود بی گمان قدر می یابد و بزرگ می شود:

جامه‌ی کعبه را که می بوسند
اونه از کرم پیله نامی شد
با عزیزی نشست روزی چند
لاجرم همچنـو گرامی شد
(saadi, Quoted from, Azrimehr, 2007: 290)

سعدی در جای دیگری محیط را چنان اثر گذار می بیند که می تواند چنان تغییری ایجاد کند که حتی نیاکان خود را فراموش کرده و مسیر زندگی دیگری و متمایز از آنها به وجود آورد.

با بدان یار گشت همسر لوط
خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند
پی نیکان گرفت و مردم شد
(saadi, Quoted from, Azrimehr, 2007: 38)

(سعدی همانند روانشناسان اجتماعی بر نقش همسالان و دوستان و همنشینی با آنها که عقاید و منش کودکان را تحت تاثیر قرار می دهند هشدار می دهد که والدین در انتخاب دوست و همنشینی برای کودکان خود مراقبت به خرج دهند:

نگهدار از آموزگار بدش
که بدبخت و بی‌ره کند چون خودش
(saadi, Quoted from, Ashraghi, 2007: 300)

سعدی خودش را مثال می زند که ذاتی آماده داشت که در کودکی در محیطی تربیت یافت و جایگاه خودش را خرق عادت نمی داند، بلکه نتیجه تربیت دوران کودکی خود می داند:

ندانی که سعدی مراد از چه یافت
نه هامون نوشت و دریا شکافت
به خردی بخورد از بزرگان قفا
خدا دادش اندر بزرگی صفا
(Quoted)

در نهایت اوج محیط گرایی سعدی و اهمیت دادن به نقش و جایگاه همنشینی بیرونی و محیطی در تربیت و شکل گیری شخصیت فردی در شعر زیر نمایان می شود که عنوان کرد این تغییر و عطر و بوی خوش ناشی از همنشینی و تأثیرپذیری از توست:

رسید از دست محبوبی به دستم	گلی خوشبوی در حمام روزی
که از بوی دلاویز تو مستم	بدو گفتم مشکی یا عبیری
و لیکن مدتی با گل نشستم	بگفتا من گلی ناچیز بودم
وگر نه من همان خاکم که هستم	کمال همنشین در من اثر کرد

(saadi, bostan: bab5)

دوالیسم تربیتی (دونگری تربیتی سعدی): سعدی تربیت را یک پدیده ثانوی می‌داند که بر ظرفی عارض می‌شود و همچون باران است که در هر سرشتی خود را به یک طریق نمایان می‌سازد اگر بدی در نهاد کسی باشد و ملکه او شده باشد محیط در او تاثیر ندارد همانند بارانی که بر نمکزار فرو می‌آید اما بارور نشده و محصول نمی‌دهد اما اگر ظرف پذیرنده تربیت مهیا باشد تربیت بیرونی و درس‌های محیطی ک اجتماع روی او اثر خواهد داشت:

هرکس به تربیت نشود ای حکیم کس	شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی
در باغ لاله روید و در شوره زار خس	باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
درو تخم و عمل ضایع مگردان	زمین شوره سنبل بر نیارد

(saadi, Quoted from, Azrimehr, 2007:39)

این نشان می‌دهد ظرفی که آماده باشد محیط هم به عنوان شرط کافی وارد عمل شده و نقش تربیتی خود را ایفا می‌کند. در جای دیگری همچون روانشناسان و جامعه‌شناسان معاصر عنوان می‌کند با این که استعداد و توانایی فراگیر را ذاتی می‌داند اما می‌گوید این محیط است که اگر مناسب باشد تربیت کارا شده و استعدادهای بالقوه فردی شکوفا می‌شود. در عین حال سعدی معتقد است که اگر محیط و جامعه هم مناسب باشد، اما استعداد ذاتی نباشد محیط نمی‌تواند استعدادی تزریق و بارور کند «جوهر اگر در خلاب افتد همچنان نفیس است و غبار اگر بر فلک رسد همان خیس است». استعداد بی تربیت دریغ است و تربیت نامستعد ضایع. خاکستر نسبی عالی دارد که آتش جوهر علوی است و لیکن چون به نفس خود هنری ندارد با خاک برابر است و قیمت شکر نه از نی است که خود خاصیت وی است.

پیمبر زادگی قدرش نیفزود	چو کنعان را طبیعت بی هنر بود
گل از خار است و ابراهیم از آزر	هنر بنمای اگر داری نه گوهر

بنابراین از دیدگاه سعدی ذات و فطرت شروط لازم برای تربیت است اما کافی نیست، به طوری که اگر در زیست بوم و محیط مناسبی قرار نگیرد، به قدر کفایت پرورش نمی‌یابد و شکوفا نمی‌شود. البته در مقابل می‌گوید اگر ظرف و ذات و استعداد مهیا نباشد، محیط مناسب که هیچ، اگر تمام صاحبان تربیت و مربیان عالم جمع شوند، ذات او تربیت پذیر نخواهد شد.

<p>ندانند کـرد انگبـین از زقـوم به سعی اندرون پر بیت گم شود ولیکن نشاید ز سنگ آینه نه زنگی به گرمابه گردد سپید (saadi, Quoted from, Ashraghi, 2007: 247)</p>	<p>همه فیلسوفان یونان و روم ز وحشی نیاید که مدم شود توان پاک کردن ز زنگ آینه به کوشش نرود گل از شاخه بید</p>
--	--

منطبق با هدف اصلی جستار همچون مبانی نظری و اندیشه سعدی، رویکرد پارادایمی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تحلیل شد. در همین راستا و مطابق دو رویکرد اصلی این جستار (محیط‌گرایی/ذات‌گرایی)، گزاره‌های نظری از سند استخراج شد که نشان داد دو الگوی محیط‌گرایی (اجتماع و اکتساب) و ذات‌گرایی (وراثت و انتساب) به عنوان مبناهای اصلی مؤثر بر تربیت مدنظر طراحان این سند بوده است که در زیر به ترتیب به آنها پرداخته شد:

ذات‌نگری سند تحول در مقوله تربیت: در مبحث مبانی انسان‌شناسی، انسان دارای

استعدادهای طبیعی عواطف و تمایلات گوناگونی است که تعیین کننده است *zazari sanad* (tahavol bonyadin, 2013:70). بر مبنای این مبانی، آموزش و پرورش منبع اساسی در رشد انسان، فطرت است که دارای ذات یگانه بر مبنای تفاوت‌های فردی است. یعنی اینکه انسان ظرف خالی نیست که در محیط و جامعه رها شود بلکه اساساً دارای طبیعتی فعال است (Quoted, 218). بر مبنای متن سند تحول بنیادین از آنجایی که کودک قدرت تشخیص مصالح خود را ندارد. لذا در دوران کودکی باید تحت کنترل و نظارت تربیت شوند با آزادی طبیعت طبیعی و تربیت شدن اجباری را ناقص و دافع هم نمی‌داند؛ اما در نهایت آنچه تعیین کننده است خود فرد است. (همان، ۲۴۵). این بدان معناست که، خود فرد محور است و فرد بر اساس نهاد و ذات خود تصمیم می‌گیرد (مطلوب یا نامطلوب)؛ سند در اینجا رویکرد ذات‌گرایی می‌گیرد. چیزی که نگارنده در مقاله دیگری طی فرآیند تحلیلی از سند تحول بنیادین ذیل مفاهیم اراده‌گرایی و ساختارگرایی مفهوم سازی کرد. در آنجا نیز با اولویت دادن به حسن فاعلی و اراده فردی اشاره شد، که در نهایت قدرت فرد در پذیرش نوع و کیفیت تربیت تعیین کننده است (Kamalpurkhoob, 2019).

محیط‌نگری سند تحول در مقوله تربیت: توجه به زیست‌بوم‌های تأثیرگذار بر تربیت، در

قسمت مبانی انسان‌شناسی، انسان موجودی اجتماعی در نظر گرفته شد که هم از شرایط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و هم با توسعه وجودی خویش با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و بدین‌گونه هویت انسان میل اراده جمعی مهارت‌ها و توانمندی‌هاست (sanad tahavol, 2012:71). هویت برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه‌ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که ترکیبی از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها تصمیمات، اعمال مداوم و آثار تدریجی آن در درون فرد شکل می‌گیرد. از این رو

هویت هرکس در نهایت محصول اکتساب تعیین شده نیست بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص و تا حدودی متأثر از شرایط حاکم بر زندگی فرد است (Quoted, 73). در مبحث مبانی دین‌شناختی عنوان می‌کند، انسان موجودی اجتماعی است و شخصیت او تا حدودی در اجتماع و تحت تاثیر شرایط محیطی ساخته و پرداخته می‌شود (همان، ۱۱۶).

در مبحث چیستی تربیت مطرح می‌کند، که تربیت با عنایت به سیوریت مداوم آدمی در قید حیات و تاثیرپذیری از شرایط اجتماعی که ناظر به عمل اجتماعی مستمر تدریجی و هدفمند است، صورت می‌گیرد (همان). در مبحث مبانی جامعه‌شناختی مطرح می‌شود که تربیت بیش از هر چیز تا به مقتضیات محیط اجتماعی و شرایط تاریخی است و وضعیت جامعه و طول زمان می‌تواند حدود و ثغور و ویژگی‌های آن را رقم بزند (Quoted, 220). این مبانی به نوعی برگرفته از تفسیر آیه ۷۸ سوره نحل است که به نظر می‌رسد خداوند لوازمات اکتساب را به بشر داده است تا نیازمندی‌هایش را کسب کند «وَاللّٰهُ اٰخِرُكُمْ مِنْ بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ وَّ شَيْئًا وَّ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَّ الْبَصَرَ وَّ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» (نحل/۷۸).

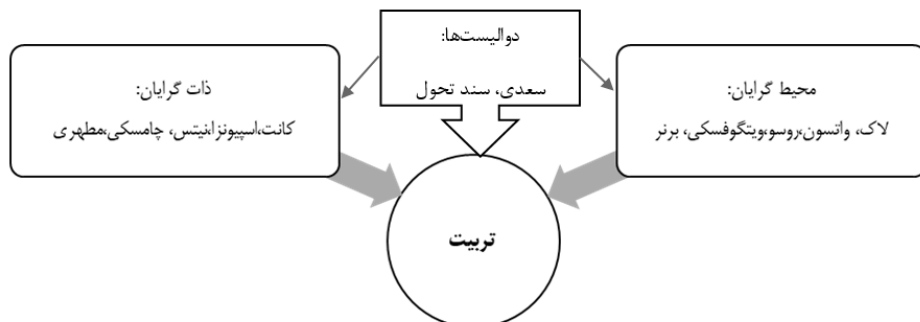
وجه دونگری (دوالیسم) تربیتی سند تحول: این سند به عنوان اصلی‌ترین سند بالادستی در حوزه آموزش و پرورش تلاش دارد که جهت شکل‌گیری نیروهای موردنیاز و متناسب با ایدئولوژی مسلط و حاکم بر جامعه چپستی، چگونگی، مسیر و لوازمات تربیت چنین کنشگرانی را مشخص کند. در مبحث انسان‌شناختی انسان موجودی مرکب از کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی انسانی است (Mabani zazari sanad tahavol bonyadin 2013). در واقع انسان موجودی تلقی می‌شود که در شرایط طبیعی و اجتماعی مناسب با تکیه بر فطرت الهی به کمک استعدادهای ذاتی با استفاده از نیروی عقل و اختیار و اراده خویش به معرفت درباره خود و موجودات می‌رسد (Quoted, 73). در مبحث مبانی دین‌شناختی عنوان می‌شود که انسان دارای استعداد های طبیعی قابل رشد، عواطف و تمایلات است که با شناخت، باور، میل، اراده و عمل فردی و جمعی بر خود و دیگران تاثیر گذار می‌گذارد (Quoted, 116). در مبحث چیستی تربیت مطرح می‌شود که هویت انسان با داشتن فطرت الهی بر اساس تمایلات، عواطف و استعداد های فردی و تأثیر نسبی از محیط و وراثت درباره موقعیت دست به عمل می‌زند (Quoted, 131). بر طبق این سند، جامعه حیاتی مستقل از افراد است زیرا حیات فردی و فطریات فردی و مکتسبات فرد از طبیعت، در حیات جمعی جمع نمی‌شود. در واقع انسان با دو حیات و روح زندگی می‌کند. حیات و روح فردی که در مولود حرکات جوهری طبیعت، نهاد، و اراده‌ی ذاتی اوست. دیگری حیات و روح جمعی که موارد زندگی اجتماعی است که به صورت هویت جمعی فرد بر اساس انتخاب و اراده او نمایان می‌شود. به

عبارتی با اهمیت دادن به آزادی و اراده از مقهور شدن و تأثیرپذیری صرف محیط‌گرایی فاصله می‌گیرد، و می‌نویسد «اما نمی‌توانیم فطرت و ذات فردی خود را از تعامل یاددهی و فراگیری محیطی رها کنیم؛ از طرفی نمی‌توانیم یکسره خود را به محیط واگذار کنیم» (Quoted, 221). این نگرش سند تحول را می‌توان گفت ملهم از اندیشه‌های علامه طباطبایی است که طبیعت اجتماعی را طبیعت ثانوی می‌داند و اصل، فطرت و ذات است (Tabatabai, 2007).

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در سه حوزه نظری صاحب‌نظران، اشعار و نثرهای ادبی ادیبان و نویسندگان (سعدی) و اسناد رسمی (سند تحول) آورده شد، نشان دهنده اهمیت و جایگاه تربیت کودک در میان همه نحل‌های علمی و رسمی دارد. در نتیجه تفسیر و تحلیل داده‌ها، برای پاسخ به پرسش اول که سعدی برای تربیت کودک کدام دیدگاه را معرفی می‌کند، می‌توان گفت سعدی با تیزهوشی و رعایت کردن اصل فراغت از ارزش، هنگامی که در مواجهه با نقش محیط بر تربیت قرار می‌گیرد، بر جنبه‌های اثرگذاری آن تأکید می‌کند. (همسر لوط با بدان یار گشت و...؛ گل خوشبوی در حمام روزی و...). هنگامی که با نقش وراثت و ژنتیک مواجهه می‌شود، می‌گوید (چون بود اصل را گوهری قابل و...؛ هر که بنیانش بدست و...). که می‌توان نتیجه گرفت که سعدی هردوی وراثت و محیط اجتماعی را در تربیت کودک مؤثر می‌داند. تنها موضوع اولویت هست که سعدی می‌گوید اول باید ذات و ظرفی وجود داشته باشد، سپس با قرار گرفتن در محیط مناسب تربیت شود که اگر این محیط مناسب نباشد؛ آن ذات و استعداد و ظرفیت خدادادی ذایل می‌شود. این یافته‌ها با مطالعه دبیرنژاد (1987) و گلشنی و همکاران (2008)، وفایی و همکاران (2015) هم‌سوئی دارد. در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت همگرایی بسیار بیشتری میان دوگرایی محیطی-ذاتی سعدی با رویکرد حاکم با سند تحول بنیادین وجود دارد. بعد از مشخص شدن رویکرد دوالیستی محیط‌گرایی/ ذات‌گرایی سعدی، در تفسیر مبانی نظری سند تحول نیز گفته می‌شود که انسان دو بعد فردی و اجتماعی دارد که بعد فردی او را فطرت و ذات او تشکیل می‌دهد؛ بعد اجتماعی‌اش را در جامعه اکتساب می‌کند. در همین سند، همان‌گونه که در متن آمد اشاره شد، در نهایت این فرد است که بخواهد چنین تربیتی را بیاموزد یا نه. اما جامعه مسئول است که با شکل‌دهی مدرسه صالح و حیات طیبه زمینه قرارگیری فرد را متناسب با استعدادهای بالقوه و ذاتی‌اش در این محیط فراهم آورد. بر این مبنا پیشنهاد می‌گردد که با مشخص کردن خط فکری و جهت‌گیری‌های

تفکیکی - تلفیقی حاکم بر سند تحول، از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مجریان و مربیان تربیتی زمینه شکل‌گیری تربیت موردنظر فراهم شود.



نمودار ۲: جهت‌گیری رویکرد نظری به مقوله تربیت

Reference

- Quran.
- Azimehr, Gh. (2007). Sa'di's Golestan. Tehran, Continuous Publications. [in persian].
- Ashraghi, M. (2007). Bostan saadi, Tehran, payam mehrab Publications. [in persian].
- Foroghi, M.A, (2020). Sa'di's Golestan. Tehran, pourya, Publications. [in persian].
- Gulshani, F, Radmanesh, A and Nouri, A (2008). The effect of environment and heredity on human psyche from Saadi's point of view. Farhang Isfahan, 35: 8-15. [in persian]
- Kamalpurkhoob, N, Hashemi, S. Z and Nejati Hosseini, S. M. (2019). Sociological explanation of the political positions of educating students as desirable citizens in the official documents of the Islamic Republic of Iran, educational innovations, number 73, 1-22. [in persian]
- Kamalpurkhoob, N. (2019). Education of desirable citizen, teacher and official system. Tehran, Farhoosh Publications. [in persian]
- Khandan, A. A. (2005). A look at the dimensions of the theory of nature and innateness of language. Qabsat, number3. [in persian]
- Mabani zazari sanad tahavol bonyadin (2013). Cultural Revolution Council Secretariat. [in persian]
- Motahari, Morteza, (1371). An introduction to the Islamic worldview of man and faith: Tehran, Sadra Publishing House. volume 1. [in persian]
- Qarai Moghadam, A. (1996). Sociology of education. Qazvin Library, second edition. [in persian]
- Qaramelki, F. (2016). Professional ethics in school. Tehran, Mahdavi Publications. [in persian]

- Saadi. (1987). General. Tehran, Science publication, first edition. [in persion]
- Saadi. (1994). Mention of Jamil Saadi, UNESCO National Commission, Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing Organization, first volume, third edition. [in persion]
- Saadi. (1994). Mention of Jamil Saadi, UNESCO National Commission, Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing Organization, second volume, third edition. [in persion]
- Saadi. (2008). the garden By Ashrafi, Mostafa, Tehran, Payam Adalat, 8th edition. [in persion]
- Saadi. (2018). Golestan Masaheh, Foroghi, Mohammad Ali, Tehran, Qaqnos Publishing. [in persion]
- Sanai, M. (2008). Hadiqa al-Haqiqah and Sharia al-Tariqah, Tehran, Negah. [in persion]
- Santrak, W.s (2008). Educational Psychology. Translation, Saedi, Shahideh, Araghchi, Mahshid, Daneshfar, Hossein, Tehran: Rasa Publications. [in persion]
- Seif, A. A. (2016) Modern Educational Psychology: Tehran, Doran Publishing House. [in persion]
- Tabatabai, M. H (2007). Tafsir al-Mizan. Volume 4, translation, Seyyed Mousavi Hamdani, M. B. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Society of Teachers. [in persion]
- TalebZadeh, M (2009). Kant and natural theories, modern wisdom, first year, number 2: 95-79. [in persion]
- Wafaei, Abbas Ali, Akbari, Mehrdad and Kamali-Baniani, Mahdi-Reza. (2015). Investigating child education theories from Bertrand Russell's point of view in the story of Golestan Saadi thief clan. Research Journal of Educational Literature, No. 32: 1-28. [in persion]
- UNESCO National Congress, (1993). Proceedings of UNESCO National Congress. [in persion]